

در امور امنیت ملی حضور گسترده نظامی ایالات متحده در منطقه خلیج فارس را پیشنهاد کرد.

- «زبگنیو برژینسکی» (Zbigniew Brzezinski):
ما ایجاد یک نیروی واکنش سریع و تسهیلات و تجهیزات پشتیبانی را در منطقه مورد بررسی قرار دادیم. ما تقاضای پایگاه نکرديم ولی خواستار دسترسی به پایگاه شدیم، که در عمل تفاوت چندانی با هم ندارد.
- «لیمن»:

عربستان به خوبی میتواند جانشین ایران شود. حکام عربستان برای حفظ منابع نفت خود نیازمند اسلحه بودند و آمریکا هم نیازمند نفت عربستان بود.
- «برژینسکی»:

آنها از دوستان ما بودند و می‌بایست امنیتشان را حفظ می‌کردیم. ما به نفت آنها احتیاج داشتیم و آنها هم برای حفظ امنیت خودشان در منطقه کاملاً به ما متکی بودند. از اینجا یک وابستگی متقابل بوجود آمد.
- «لیمن»:

تصمیم به فروش تجهیزات و تاسیسات نظامی گرانقیمت به عربستان مقارن با افزایش فوق‌العاده قیمت نفت بود. در آمد عربستان از نفت در سال ۱۹۸۱ به ۱۱۶ میلیارد دلار می‌رسید یعنی تقریباً در هر ساعت ۱۶ میلیون دلار به حساب بانک مرکزی عربستان حواله می‌شد. قسمت عمده این دلارهای نفتی به سوی شرکت‌های مهندسی و ساختمانی آمریکایی از قبیل بکتسل Bechtel سرازیر می‌شد.

- «کوانت» (Quant) عضو شورای امنیت ملی در زمان حکومت کارتر:
انفجار قیمت نفت در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و در اوایل دهه ۱۹۸۰ شکل فیزیکی عربستان را کلاً دگرگون کرد. تمام طرح‌های عمرانی و تاسیسات زیربنایی که امروز در عربستان مشاهده می‌شود مانند سیستم‌های ارتباطی مدرن، راه‌ها، پلها، فرودگاهها، هتلها - در این مدت بوجود آمد.

- «لیمن»:
«استیون امرسون» در کتاب خود American House of Saud این تحولات را به خوبی بررسی کرده است.

«استیون امرسون» (Steven Emerson) نویسنده:

مهم‌ترین خرید سعودیها در زمینه تجهیزات نظامی بود. احتمالاً پیشرفته‌ترین جنگ افزارهای زرادخانه نظامی آمریکا اکنون در دست سعودیهاست. فقط تا سال ۱۹۸۵، عربستان بیش از ۷۰ میلیارد دلار به صورت تجهیزات و تاسیسات نظامی دریافت کرده بود. عربستان بزرگترین خریدار سلاحهای آمریکایی در تمام دنیاست.

* این میزگرد حضوری و در یک زمان واحد نبوده است. - مترجم

روابط پنهانی ایالات متحده و عربستان سعودی (اسلحه - نفت - عراق - ایران)

خلاصه‌ای از گفتگوهای انجام شده در برنامه تلویزیونی «Front Line»
در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۳ *

□ ترجمه: دکتر بهمن همایون

- «ویلیام لیمن» (W. Lyman) مفسر برنامه «فرونت لاین»:

در دوم اوت ۱۹۹۰ سپاهیان عراق کویت را به تصرف در آوردند و به حوزه‌های نفتی عربستان نزدیک شدند. چهار روز بعد، «دیک چنی» وزیر دفاع وقت آمریکا وارد جده شد.
- «دیک چنی» (Dick Cheney) وزیر دفاع سابق آمریکا:

هدف اصلی سفر من مذاکره با شاه فهد بود که اجازه دهد نظامیان ما در خاک عربستان مستقر شوند. اگر ما نظامیان خود را به عربستان نمی‌فرستادیم، برای خروج صدام از کویت کار زیادی از ما ساخته نبود.

- «لیمن»:
دیک چنی شاه فهد را در کاخ تابستانی ملاقات کرد و به او یادآور شد دیگر وقت آن رسیده است که طرح‌هایی را که سالها روی آن سرمایه گذاری کرده بودند اجراء کنند.

- «دیک چنی»:
در جریان مذاکرات، ولیعهد متذکر شد که هنوز کویت وجود دارد و بهتر است محتاطانه عمل کرد. شاه فهد پاسخ داد ممکن است هنوز کویت وجود داشته باشد ولی بیشتر مقامات کویتی بخاک ما پناهنده شده‌اند و در هتل‌های ما زندگی میکنند. حالا امنیت عربستان در خطر است.

- «لیمن»:
شاه فهد سریعاً تصمیم گرفت و اجازه داد صدها هزار نظامی ایالات متحده و متحدان آن وارد خاک عربستان شوند. عظیم‌ترین تحرك نظامیان و تجهیزات آنان با سرعتی که تاریخ نظیر آنرا ندیده بود آغاز شد. پاسخ سریع آمریکا به صدام دنیا را در شگفتی فرو برد. ولی در حقیقت این سرعت عملیات محصول سالها رابطه پنهانی نظامی -

سیاسی-اقتصادی

در جلسه توجیهی حدود ۳۰-۴۰ نفر شرکت داشتند و در دو ردیف پشت میز نشسته بودند. پرسیدم این چه نوع تاسیساتی است که اوکسها در شمال عربستان به آن احتیاج دارند؟ در این پایگاه‌ها چه چیزهایی تعبیه خواهد شد؟ چه تهدیدی در منطقه متوجه عربستان است که این تاسیسات و تجهیزات و هزینه گزاف آنها را توجیه میکند؟

باسخ سئوالات من از گوشه و کنار از طرف افسران نیروی زمینی، هوایی و دریایی می‌رسید. یکی از آن افسران «الیور نورث» (Oliver North) بود که در ردیف عقب نشسته و هنوز شهرتی نداشت. او بعداً به شورای امنیت ملی منتقل شد تا دنبال کار فروش اوکسها را بگیرد.

- «لیمن»:

آرمسترانگ بزودی متوجه شد که داستان فقط مربوط به فروش پنج هواپیمای اوکس نیست.

- «آرمسترانگ»:

کم کم تصویر برای من روشن شد. فروش اوکسها یک مقدمه و موضوع اصلی ایجاد سلسله عظیمی از پایگاه‌ها، بنادر، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و سیستم‌های ارتباطی بهم پیوسته الکترونیکی با بول عربستان بود به گونه‌ای که آمریکایی‌ها هروقت وارد آنجا شوند بتوانند به آسانی از آنها استفاده کنند. این ماحصل طرح‌هایی بود که در دل فروش اوکسها پنهان شده بود.

- «لیمن»:

چهار روز قبل از رأی گیری در سنای برای فروش اوکسها، آرمسترانگ مقاله‌ای برای روزنامه واشینگتن پست تهیه کرد و نوشت که پیشنهاد فروش اوکسها سرآغاز یک نقشه پنهانی ۵۰ میلیارد دلاری برای ساختن پایگاه‌های نظامی در عربستان است.

ژنرال سیکورد سردبیران روزنامه را تحت فشار قرار داد تا انتشار این مقاله را به تأخیر اندازند.

- ژنرال سیکورد:

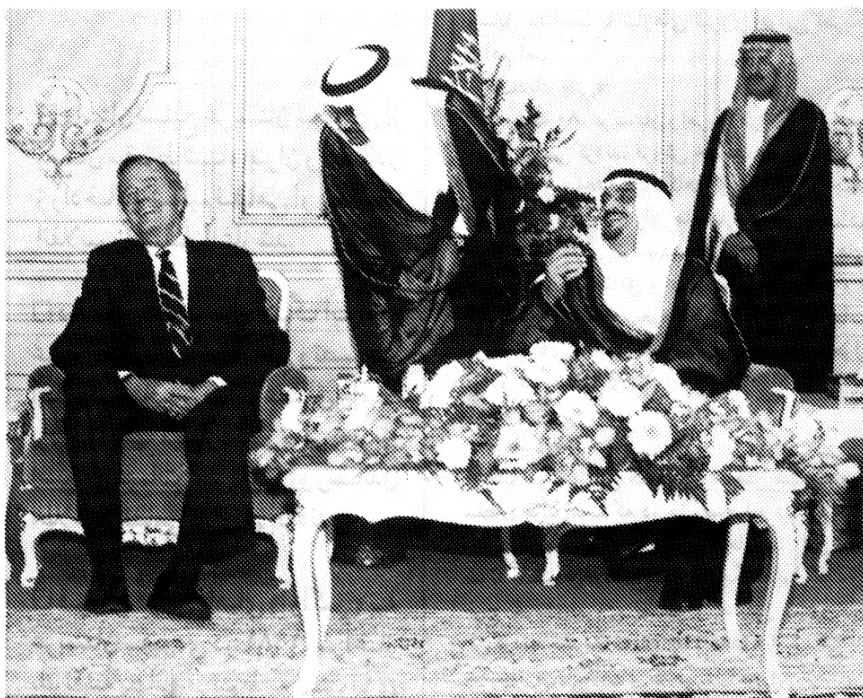
چند روز بیشتر به رای گیری باقی نمانده بود و تعداد موافقان و مخالفان این پیشنهاد بسیار به هم نزدیک بود. همکاران مادر روابط عمومی به مدیران واشینگتن پست تلفن کردند و اهمیت موضوع را متذکر شدند. به همین علت مقاله بعد از رای گیری منتشر شد.

- «آرمسترانگ»:

در آخرین لحظه از پنتاگون مرا برای شرکت در یک جلسه توجیهی در تعطیلات آخر هفته دعوت کردند و خواستند چاپ مقاله را به بعد از آن جلسه موکول کنم. سپس کار چاپ کن‌های عربستان به سردبیران روزنامه مراجعه کردند و خواستند چاپ مقاله به تأخیر افتد. در نتیجه مقاله بعد از رای گیری منتشر شد.

- «ژنرال سیکورد»:

وضع بسیار حساس بود. ما نتیجه را ۵۰-۵۰ تخمین می‌زدیم ولی در موقع رای گیری بعضی از



- «لیمن»:

در سال ۱۹۷۹ سعودیها تقاضای خرید هواپیمای بسیار پیشرفته «اوکس» را مطرح کردند. در آن زمان فقط افراد معدودی اطلاع داشتند که این تقاضا مقدمه‌ای برای تجهیز نظامی بی‌سابقه عربستان خواهد بود. جیمی کارتر پیشنهاد فروش پنج هواپیمای اوکس را به کنگره فرستاد ولی پیش از تصویب آن، جای خود را به رونالد ریگان داد.

- «کوانت»:

ریگان معروف به طرفداری از اسرائیل و تردید نسبت به اعراب بود؛ با این حال از مدافعان سرسخت فروش این هواپیمای به عربستان گردید و از نخستین اقدامات او پی‌گیری پیشنهاد فروش بود. این پنج هواپیمای و لوازم و تجهیزات و تاسیسات مربوط به آن ۸/۵ میلیارد دلار قیمت گذاری شده بود. البته این قیمت گزاف خود یکی از دلایل موافقت ریگان بود.

- «امرسون»:

فروش اوکسها به عربستان در سال ۱۹۸۱ مجادله حادی بین دو گروه بر قدرت بوجود آورد. یک گروه جامعه یهودیان امریکا بودند که بیم داشتند این هواپیمای پیشرفته به دست حکومت‌های مخالف اسرائیل بیفتد و گروه دیگر شرکت‌های امریکایی بودند که منافع خود را در این فروش می‌دیدند. شرکت‌های امریکایی که در انتظار بستن قراردادهایی جمعا به ارزش ۵۰۰ میلیارد دلار با عربستان بودند، به هر حال از طریق واسطه‌ها و کارچاق کن‌ها بر مخالفان بیروز شدند.

- «لیمن»:

نمانده پنتاگون برای پیشبرد فروش این اوکسها، ژنرال هوئی «ریچارد سیکورد» بود که قبلاً در هیئت مستشاری نظامی امریکا در ایران

خدمت کرده بود.

- ژنرال «ریچارد سیکورد» (Secord): طرفداران اسرائیل مبارزه سختی را برای جلوگیری از فروش این هواپیمای شروع کرده بودند. این نمونه‌ای کلاسیک از مجادلات سیاسی نوع آمریکایی بود.

- «لیمن»:

در ماجرای فروش این هواپیمای، نکته جالب توجه قیمت فروش آنها بود. روزنامه واشینگتن پست یکی از بهترین خبرنگاران خود یعنی «اسکات آرمسترانگ» را مأمور رسیدگی به این کار کرد.

- «اسکات آرمسترانگ» (Scott Armstrong):

روزنامه نویس:

من ابتدا به وزارت دفاع رفتم و پرسیدم قیمت این هواپیمای چقدر است؟ قبلاً برای هر فروند از آنها ۱۰۰ میلیون دلار قیمت گذاشته بودند. به من گفتند حالا ۱۱۰ میلیون دلار شده است. گفتم پس قیمت پنج فروند آن باید ۵۵۰ میلیون دلار بشود ولی شما ۵/۵ میلیارد صورت داده‌اید. شاید جای ممیز را اشتباه گذاشته‌اید. چون جواب قانع کننده‌ای نشنیدم، شروع به پرس و جو از این و آن کردم. آنها می‌گفتند: لوازم یدکی و آموزش و این قبیل چیزها هم هست؛ بالاخره هزینه‌های جانبی هم وجود دارد.

من قانع نشدم و به سناتور «جان گلن» (John Glenn) که از طرفداران اسرائیل و سرکرده مخالفان این فروش بود مراجعه کردم. این سرآغاز باز شدن درها بود.

- «لیمن»:

ژنرال سیکورد که از پرس و جوهای آرمسترانگ ناراحت شده بود، یک جلسه توجیهی در پنتاگون تشکیل داد.

- «آرمسترانگ»:

سناتورها به نفع ما رای دادند و در نتیجه پیشنهاد فروش اوکسها به تصویب رسید.
- «لیمن»:

این موضوع برای ریگان که برای تصویب فروش اوکسها تلاش کرده بود، پیروزی بزرگی به شمار می‌رفت. مقاله آرمسترانگ بالاخره چهار روز پس از رای گیری سنا در صفحه اول واشینگتن پست چاپ شد. در آن مقاله آرمسترانگ جزئیات یک نقشه پنهانی را که هرگز در مباحثات سنا مورد بررسی قرار نگرفته بود، فاش ساخت.

این نقشه پنهانی مربوط به استراتژی دفاع از حوزه‌های نفتی خاورمیانه و برنامه‌ای جاه طلبانه برای ساختن پایگاهها و فراهم کردن تجهیزات و تأسیسات در خاک عربستان بود.

یک تفاهم نانوشته و محرمانه نیز در پشت فروش اوکسها پنهان بود. امریکا پیشرفته‌ترین ابزارهای نظامی را به عربستان می‌فروخت و عربستان هزینه ساختمان شبکه کاملی از پایگاه‌های زمینی، هوایی، دریایی و ارتباطی را که در یک مناقشه منطقه‌ای بتواند مورد استفاده نظامیان امریکا قرار گیرد می‌پرداخت. این نتیجه گیری آرمسترانگ که فروش اوکسها مقدمه‌ای برای تسلیح مخفیانه و چندین میلیارد دلاری عربستان است، مورد تکذیب وزیر دفاع امریکا، «کاسپار واین برگر» (Caspar Weinberger) قرار گرفت. با پنهان کاری عربستان و تکذیب وزیر دفاع، مقاله آرمسترانگ بزودی فراموش شد ولی اکنون قسمت اعظم آن داستان مورد تأیید مقامات ارشد دولت امریکا، از جمله «لارنس کورب» که در آن وقت معاون «واین برگر» بود، قرار گرفته است.

- «لارنس کورب» (Lawrence Korb):

سعودیها با پرداخت هزینه پایگاه‌های زمینی، هوایی و دریایی و تجهیزات بسیار پیشرفته مشابه آنچه در امریکا وجود دارد، از نظر تئوری زیربنای لازم را برای تقویت ارتش خود به دست آوردند. امریکا هم با فروش این تأسیسات و تجهیزات پیشرفته عملاً امکانات لازم را برای استفاده احتمالی سربازان خود در آینده فراهم کرد.

- «ریچارد مورفی» سفیر پیشین امریکا در عربستان (۱۹۸۳-۱۹۸۱):

به یاد می‌آورم که افسران نیروی هوایی ما به عربستان حسادت می‌کردند زیرا آشیانه‌هایی با بتون مسلح در زیرزمین برای هواپیماهای عربستان ساخته بودیم که در امریکا و اروپا وجود نداشت. یعنی پول لازم برای ساختن آنها را نداشتیم.

- «کورب»:

در اکثر موارد، تجهیزاتی که در اختیار عربستان قرار گرفته بود درست مانند تجهیزاتی بود که در امریکا وجود داشت، برای آن که هر وقت به آنجا برویم حس کنیم در امریکا هستیم. همه چیز برای استفاده نظامیان ما آماده بود. بزرگترین منبع ذخیره بنزین دنیا در آنجا ساخته شد و آماده تحویل بنزین به هواپیماها بود. چون آنها اکثراً از هواپیماهای امریکایی استفاده می‌کردند، تمام

□ داستان تسلیح عربستان سعودی از زمان سقوط شاه ایران و افتادن زرادخانه عظیم نظامی او به دست انقلابیون مسلمان آغاز شد.

□ در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، سعودیها با آگاهی و تصویب ایالات متحده، دولت عراق را با پرداخت دهها میلیارد دلار پول، تحویل اسلحه و مهمات امریکائی، و رساندن اطلاعات نظامی یاری می‌دادند.

□ فروش هواپیماهای «آواکس» به عربستان سعودی در ۱۹۸۱، سرآغاز یک نقشه پنهانی مربوط به استراتژی دفاع از حوزه‌های نفتی خاورمیانه و برنامه‌ای جاه طلبانه برای تسلیح بی سابقه عربستان سعودی بود. یک تفاهم محرمانه و نانوشته در پشت فروش آواکس ها قرار داشت: ایالات متحده پیشرفته‌ترین جنگ افزارها را به عربستان سعودی می‌فروخت و عربستان هزینه ساختن شبکه بی نظیری از پایگاههای زمینی، هوائی، دریائی و سیستم های پیچیده ارتباطی را که در یک برخورد منطقه‌ای بتواند مورد استفاده نیروهای امریکا قرار گیرد می‌پرداخت.

□ شهر نظامی «ملک خالد» در نزدیکی مرز عربستان سعودی و عراق، که در نهایت پنهان کاری و با همکاری «سیا»، آژانس امنیت ملی امریکا و مهندسان ارتش ایالات متحده ساخته شده، یکی از شگفت انگیزترین پایگاههای نظامی جهان است. این شهر دارای سیلوهای موشک بالستیک و قرارگاههای فرماندهی زیرزمینی است که حتی بمب هسته‌ای نیز نمی‌تواند لطمه‌ای به آنها وارد سازد.

وسایل متناسب با نیازهای نیروی هوایی امریکا فراهم آمد.

- «دیک چنی»:

در دهه ۸۰، عربستان و امریکا در سطح وسیعی همکاری می‌کردند. فروش جنگنده‌های اف ۱۵ و اوکسها و ساختن فرودگاهها و بنادر از آن جمله بود. این تأسیسات برای ما خیلی حیاتی بود. در موقع لزوم ما می‌توانستیم خیلی سریع نیروهای خود را به آنجا منتقل و عملیات جنگی را شروع کنیم. در دهه ۸۰ سعودیها برای این تأسیسات هزینه زیادی متحمل شدند و ما هم شدیداً مشغول آماده کردن آنها بودیم.

- «لیمن»:

یک نمونه از این همکاری، ساختن شهر نظامی سلطان خالد است که در دل صحرا و در نزدیکی مرز عراق با نهایت پنهان کاری انجام شد. این شهر نمونه آشکاری بود که سعودیها چگونه پول نفت را خرج تقویت نیروی نظامی و امنیتی کشورشان می‌کردند. نشریه «Jane's Defence» آنرا یکی از عجیب‌ترین پایگاههای نظامی دنیا معرفی کرد. این شهر دارای سیلوهای موشک بالستیک و قرارگاه‌های زیرزمینی فرماندهی است که حتی بمب هسته‌ای هم به آن صدمه نمی‌زند. این شهر با همکاری «سیا»، آژانس امنیت ملی امریکا و مهندسان ارتش امریکا ساخته شده است. هزینه احداث شهر نظامی سلطان خالد از اسرار است.

«اسکات آرمسترانگ» یک دهه بعد از مقاله اولش در واشینگتن پست، مقاله دیگری در مجله «Mother Jones» نوشت و نتیجه گیری کرد که تا سال ۱۹۹۲ هزینه کلی تسلیح عربستان از ۱۵۶ میلیارد دلار تجاوز کرده است.

- «آرمسترانگ»:

سعودیها عظیم‌ترین سیستم نظامی را که جهان تا آن روز ندیده بود بوجود آوردند. این سیستم شامل ۹۵ میلیارد دلار وسایل جنگی و ۶۵ میلیارد دلار تأسیسات زیربنائی مانند پایگاه‌ها، بنادر و فرودگاهها بود. ما در آنجا یک سیستم بهم بسته ایجاد کرده‌ایم که دارای یک پایگاه کنترل و فرماندهی مرکزی و پنج پایگاه کنترل فرعی است و هر یک از آنها می‌تواند به تنهایی عمل کند. این پایگاه‌های فرماندهی در عمق زمین صحرا ساخته شده و حتی در برابر انفجارهای اتمی مقاوم است. ما در آنجا ۹ بندر بزرگ و یک دوچین فرودگاه بوجود آوردیم. آنها اکنون صدها هواپیمای جنگنده - بمب افکن مدرن در اختیار دارند.

سعودیها به تنهایی ۱۵۶ میلیارد دلار خرج کردند که من می‌توانم قلم به قلم آنرا ذکر کنم.

- «لیمن»:

عده زیادی از نمایندگان کنگره می‌گویند که از حجم عظیم تسلیحات عربستان بی‌اطلاعند. سناتور «جیمز جفرز» یکی از جمهوری خواهان سرشناس و عضو کمیته فرعی سنا در امور خاورمیانه، از آن جمله است.



- سناتور «جیمز جفرز» (James Jeffords):
من از آن حجم عظیم تسلیحات بی اطلاع بودم. ولی در جنگ کویت وقتی دیدم که چگونه با آن سرعت، آنهمه سرباز و وسایل را در عربستان مستقر کرده و بکار گرفتیم، متعجب شدم.
- سناتور «هوارد متزن بام» (Howard Metzenbaum):

این اطلاعات هرگز در اختیار من قرار نگرفت و تردید دارم که در اختیار کسی از اعضای کنگره قرار گرفته باشد.

- «مل لوابین» (Mel Levine) عضو سابق کنگره:
اکثر اعضای کنگره از آن جریانات بی اطلاع بودند. این قبیل عملیات چیزی نیست که بشود در باره آن سروصدای زیادی راه انداخت.

- «کورب»:
اگر مبالغی که سعودیها برای خریدهای نظامی خود می پرداختند با هزینه نظامی سایر کشورها مقایسه می شد، هر کسی می بایست بتواند حجم درگیری آنها و ما را حدس بزند.

- «ژنرال سیکورد»:
من مطمئن هستم که عده ای از نمایندگان کنگره از کارهایی که ما در زمینه نظامی در آنجا انجام می دادیم اطلاع داشتند.

- سناتور «متزن بام»:
رابطه آمریکا و عربستان شباهتی با رابطه آمریکا و سایر کشورها نداشت. در حقیقت مناسبات نزدیکی بین تعداد معدودی از مقامات دولتی دو طرف بوجود آمده بود و کارها از آن طریق انجام می شد.

- «آرمسترانگ»:
در دهه گذشته ما به موارد زیادی برخوردیم که اقداماتی مخفی از کنگره و از مردم صورت گرفته بود، مثل فروش اسلحه به عراق که گمان می کنم در نتیجه همین رابطه خاص با عربستان بوده است. اینها نمونه ایست از کارهایی که دولت بطور پنهانی انجام داده است.

- «لیمن»:
در دهه ۸۰ پنهانکاری از مشخصات بارز روابط ویژه آمریکا و سعودیها بود. وقتی شورویها به افغانستان حمله کردند، سعودیها میلیونها دلار به آمریکا پرداختند تا عملیات محرمانه کمک به مجاهدین را سرسامان دهد. همچنین سعودیها میلیونها دلار در عملیات پنهانی بر ضد ساندنیستهای نیکاراگوئه خرج کردند.

- «ژنرال سیکورد»:
در سالهای دهه ۸۰ وقتی کنگره کمک به «کنتر»های نیکاراگوئه را قطع کرد، به تقاضای رئیس جمهور آمریکا سعودیها ۳۰ میلیون دلار به کنترها کمک کردند.

- «لیمن»:
پرهزینه ترین طرح مشترک آمریکا - عربستان مربوط به کوشش برای مهار کردن انقلاب ایران بود و صدام حسین وسیله انجام این مقصود گردید.
- «تیمرمن» (Kenneth Timmerman) نویسنده کتاب «چگونه غرب عراق را مسلح کرد»:

در تابستان ۱۹۸۰ عراقیها علاقمند بودند موافقت آمریکا را برای حمله شان به ایران کسب کنند. آنها وزیر خارجه خود را به عربستان و اردن فرستادند تا با مقامات آمریکایی مذاکره کند و اطمینان یابد که آمریکا مخالف حمله عراق به ایران نیست - طبعاً آمریکا مخالفتی نداشت.

- «لیمن»:
در پنجم اوت ۱۹۸۰ صدام حسین يك سفر رسمی به عربستان کرد و دولت سعودی را از نیت خود برای حمله به ایران آگاه نمود. شش هفته بعد نیروهای عراقی حمله را آغاز کردند.

- «هوارد تایچر» (Howard Teicher) عضو شورای امنیت ملی آمریکا (۱۹۸۲-۸۷):
سعودیها بسیار نگران بودند که مبادا ایرانیها در جنگ پیروز شوند و حکومت صدام را سرنگون کنند و يك جمهوری اسلامی در کنار مرزهای عربستان بوجود آورند. در ملاقاتهایی که با شاه فهد و شاهزاده سعود و سایر مقامات سعودی داشتیم این مسئله مورد بحث قرار می گرفت.
سعودیها نمی خواستند جنگ از مرزهای ایران و عراق تجاوز کند.

- «لیمن»:
در تمام هشت سال جنگ عراق و ایران، سعودیها با اطلاع و تصویب مقامات آمریکا، دولت عراق را با پول، اسلحه و کمک های اطلاعاتی یاری دادند.

- «تایچر»:
سعودیها با کمکهای مالی، نظامی و اطلاعاتی عراق را تقویت کردند. برآوردهائی که ما از قدرت نظامی ایران داشتیم از طریق سعودیها در اختیار عراق قرار می گرفت.

به عقیده من همین برآوردها بود که عراق را مصمم به حمله به ایران کرد.

- «لیمن»:
از سال ۱۹۸۳ آواکسهای که از عربستان پرواز می کردند، اطلاعات مربوط به نقل و

انتقال های نظامی ایران را در اختیار عراق قرار می دادند.

- «ریچارد مورفی»:
ما از قدرت نیروی هوایی ایران باخبر بودیم و آواکسها نیز اطلاعات دقیقی از مسیر پرواز جنگنده ها و بمب افکن های ایران به دست می آوردند.

- «لیمن»:
سعودیها همچنین ده ها میلیارد دلار به عراق کمک مالی کردند.

- «جیمز آکینز» (James Akins) سفیر پیشین آمریکا در عربستان (۱۹۷۵-۱۹۷۳):
من گمان می کنم در طول جنگ عراق با ایران عربستان ۴۰ میلیارد دلار و کویت ۲۰ میلیارد دلار به عراق کمک مالی کرده اند.

- «لیمن»:
با وجود مخالفت کنگره، عربستان سلاح های ساخت آمریکا را در اختیار عراق قرار می داد.

در فوریه ۱۹۸۶ صدها بمب یک تنی MK 84 به عراق تحویل داده شد. این انتقال غیرقانونی مهمات ساخت آمریکا به عراق تا آوریل ۱۹۹۲ که موضوع بوسیله روزنامه لوس آنجلس تایمز فاش شد، از مردم آمریکا پنهان نگهداشته شده بود. نویسنده این مقاله، «واس» (Waas)، فاش ساخت که تحویل این بمبها قسمتی از برنامه محرمانه حکومت ریگان - بوش برای مسلح کردن عراق بوده است. «واس» نوشته است که در سال ۱۹۹۰ اطلاعات محرمانه ای به دولت آمریکا رسید که سعودیها همچنین برای ساختن بمب اتمی به عراق کمک مالی کرده اند. يك گزارش محرمانه «سیا» مربوط به ژوئن ۱۹۹۰ حاکی است که سعودیها ۵ میلیارد دلار برای برنامه های اتمی در اختیار عراق قرار داده اند. قسمتی از این پول بوسیله بانک «گالف اینترنشنال» که متعلق به عربستان و عراق بود تدریجاً از سال ۱۹۸۵ به عراق منتقل شده است.

ما با منابعی در «سیا» و آژانس امنیت ملی و وزارت دفاع در این باره صحبت کردیم. آنها می‌گویند برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ از رابطه اتمی سعودی - عراق مطلع شده‌اند.

ما همچنین از گزارشهای محرمانه‌ای اطلاع یافتیم که در سال ۱۹۸۹ توسط آژانس اطلاعات دفاعی تهیه شده و در آن جزئیات پرداختهای عربستان به شبکه خرید تسلیحاتی عراق از طریق یک بانک سوئیسی ذکر شده است. این گزارشها، هدف شبکه خرید و پرداختهای عربستان را نهایتاً تولید موشکهای بالستیک و سلاحهای هسته‌ای می‌داند.

- «آکینز»:

پس از اینکه در سال ۱۹۸۱ هواپیماهای اسرائیلی از فضای عربستان پرواز کردند و تأسیسات هسته‌ای عراق را در نزدیکی بغداد ویران ساختند، بین عربستان و عراق این تفاهم حاصل شد که تنها راه جلوگیری از تجاوزات اسرائیل داشتن سلاح هسته‌ایست.

وحشت کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از زرادخانه اتمی اسرائیل مشوق آنها در کمک کردن به عراق برای تولید سلاح هسته‌ای بود. تردیدی نیست که اسرائیلی‌ها سلاح هسته‌ای در اختیار دارند. احتمالاً آنها متجاوز از ۲۰۰ بمب هسته‌ای و وسایل پرتاب آن را به هر شهر مهم عربی در اختیار دارند. از نظریه رهبر عربی تنها وسیله‌ای که مانع استفاده اسرائیل از سلاح هسته‌ای بر ضد اعراب خواهد شد، برخورداری یک دولت عرب از نیروی بازدارنده هسته‌ای است.

- «دیک چنی»:

اگر چنین گزارشهای محرمانه‌ای هم باشد، چیزی نیست که من بتوانم درباره آن صحبت کنم. سعودیها طی سالهای گذشته به خیلی از کشورها کمک کرده‌اند ولی برای من مشکل است باور کنم که آنها ۵ میلیارد دلار برای تولید سلاح هسته‌ای به عراق داده باشند.

- «لینن»:

جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۸ در وضعی بن بست مانند پایان یافت. ولی سیاست محرمانه آمریکا - عربستان بر ضد ایران نتایج غیرمنتظره‌ای به بار آورد. گرچه این سیاست مانع شد که ایران بغداد را تصرف کند، ولی از طرف دیگر صدام حسین را آنقدر مسلح کرد که دو سال بعد توانست کویت را تصرف کند و حوزه‌های نفتی متعلق به حامیان قبلی خود را مورد تهدید قرار دهد. اگر منابع نفت در آنجا نبود، آمریکا علاقه‌ای به دفاع از کویت یا عربستان نداشت. عربستان تأمین کننده عمده نفت آمریکاست؛ دسترسی به نفت عربستان برای آمریکائیان حیاتی است و اگر لازم باشد حاضرند بهای آنرا هم بپردازند.

در طول دهه ۸۰، ریگان و بوش مرتباً می‌گفتند قیمت نفت باید توسط بازار آزاد تعیین شود. ولی همه تحلیل‌گران مسائل نفتی می‌دانند که آمریکا و سعودیها به تفاهم محرمانه‌ای درباره قیمت نفت رسیده‌اند. عربستان با کم و زیاد کردن تولید می‌تواند قیمت‌های بین‌المللی را تعیین کند. شاید

□ پرهزینه‌ترین طرح مشترک آمریکا - عربستان مربوط به تلاش برای مهار کردن انقلاب ایران بود و صدام حسین وسیله انجام این مقصود گردید.

□ پس از آنکه در سال ۱۹۸۱ هواپیماهای اسرائیلی از فضای عربستان گذشتند و تأسیسات اتمی عراق را در نزدیکی بغداد بمباران کردند، بین عربستان سعودی و عراق این تفاهم حاصل شد که تنها راه جلوگیری از تجاوز اسرائیل داشتن سلاح هسته‌ای است. در این زمینه، یک گزارش محرمانه «سیا» حاکیست که عربستان سعودی ۵ میلیارد دلار برای برنامه‌های اتمی در اختیار عراق گذاشته است.

□ جنگ ایران و عراق در وضعی بن بست مانند به پایان رسید. اما سیاست پنهانی آمریکا - عربستان بر ضد ایران نتایج غیرمنتظره‌ای به بار آورد. گرچه این سیاست از تصرف بغداد به دست ایرانیان جلوگیری کرد، ولی از سوی دیگر صدام حسین را آن اندازه مسلح ساخت که دو سال بعد توانست به کویت بتازد و منابع نفت متعلق به پشتیبانان قبلی خود را تهدید کند.

□ اولین جنگ نفت برای ایالات متحده موفقیتی بود که عمدتاً در سایه روابط مستحکم آمریکا - عربستان و شبکه پایگاههای نظامی موجود در خاک عربستان به دست آمد. اما این رابطه ویژه ممکن است شکننده‌تر از آن باشد که در جریان جنگ نفت مشاهده شد.

حساس‌ترین جنبه رابطه آمریکا - عربستان همین مسئله قیمت نفت باشد.

«چارلز اِبینگِر» (Charles Ebinger) تحلیل‌گر مسائل نفتی:

من معتقدم که یک تفاهم کلی بین آمریکا و عربستان درباره قیمت نفت حاصل شده است. من از کسانی هستم که معتقدند سیاست نفتی عربستان با مشورت آمریکا ولی برحسب منافع خودشان تنظیم می‌شود. ولی کسانی دیگری هم هستند که عقیده دارند رابطه آنها نزدیک‌تر از این هاست.

- «ادوارد کریپلز» (Edward Crapels) تحلیل‌گر مسائل نفتی:

ما بزرگترین مصرف کننده و آنها بزرگترین تولید کننده هستند. این خیلی ساده لوحی است اگر گفته شود ما با سعودیها درباره قیمت نفت مذاکره نمی‌کنیم. اگر با آنها درباره قیمت نفت صحبت نکنیم، پس درباره چه صحبت کنیم؟

- «لینن»:

برای سالها، دولت آمریکا ادعا میکرد که درباره قیمت نفت با تولید کنندگان مذاکره نمی‌کند. ولی در اوایل دهه ۸۰ حکومت ریگان با قیمت‌های بالای نفت و رکود اقتصادی ناشی از آن روبرو بود.

- «مورفی»:

ما علاقمند به قیمت‌های پائین نفت بودیم. سعودیها هم بخاطر منافع بلندمدت خودشان طرفدار بهای ارزان نفت بودند.

- «لینن»:

در فوریه ۱۹۸۵ شاه فهد یک سفر رسمی به واشنگتن کرد. این اولین سفر او به آمریکا بعنوان شاه بود. در این سفر پنج روزه، ملاقاتهای متعددی با ریگان و سایر مقامات عالی‌رتبه آمریکایی صورت گرفت. متأسفانه آنچه در این ملاقاتها گفته و شنیده شده محرمانه باقی مانده است ولی «ادوین روتچیلد» (Edwin Rothschild) تحلیل‌گر مسائل نفتی از قانون «آزادی مبادله اطلاعات» استفاده کرد و توانست یادداشتی به دست آورد که توسط ریچارد مورفی از ملاقات زکی یمانی وزیر نفت عربستان و جرج شولتز تهیه شده بود. برطبق این یادداشت، شولتز به یمانی قویاً توصیه کرده است که عربستان سطح تولید خود را حفظ کند تا قیمت نفت توسط بازار تعیین شود.

- «ریچارد مورفی»:

من به یاد نمی‌آورم که فشاری برای سقوط قیمت نفت وارد کرده باشیم. ممکن است گفته باشیم بگذارید نیروهای بازار قیمت نفت را تعیین کنند.

- «ادوین روتچیلد»:

باید دید در چه زمینه‌ای عبارت «بگذارید نیروهای بازار عمل کنند» را به کار می‌بریم. در این مورد بخصوص، بازار نفت در حقیقت دولت آمریکا و دولت عربستان هستند. مقامات حکومت ریگان - بوش معتقد بودند که قیمت‌های پائین نفت برای رشد اقتصادی آمریکا و برای موفقیت‌های سیاسی آنها لازم است. مقامات دولت آمریکا یک

سیاسی-اقتصادی

این اسناد جنبه محرمانه دارد و آنها را در اختیار تو قرار نخواهیم داد.

- «لیمن»:

در ماه جولای سال گذشته وزارت خارجه از دادگاه تقاضا کرد اجازه داده شود این اسناد محرمانه باقی بماند زیرا: «افشای آنها به روابط حساس امریکا - عربستان در مورد نفت صدمه خواهد زد».

اتکای بیش از اندازه امریکا به نفت عربستان هر روز افزایش می یابد و این امر برای امنیت ملی ما خطرناک خواهد بود.

- «جورج میچل» (George Mitchell) تولید کننده مستقل نفت:

به عقیده من اگر فقط يك کالا باشد که واقعا باید درباره آن کار کنیم تا از وابستگی ما به خارج کاسته شود، آن نفت و گاز است. اکنون نیمی از مصرف کشور را از خارج وارد می کنیم، یعنی حدود ۸ میلیون بشکه در روز. این مقدمه ای برای مصیبت است.

- «لیمن»:

اولین جنگ نفت برای امریکا يك موفقیت بود که بطور عمده در نتیجه روابط مستحکم امریکا و عربستان و شبکه پایگاه های نظامی که سعودیها با دلارهای نفتی خریداری کرده بودند بدست آمد. اما این رابطه ویژه ممکن است شکننده تر از آن باشد که در جریان جنگ نفت (طوفان صحرا) مشاهده شد. طی این جنگ حضور نیم میلیون مرد و زن امریکایی در کشور عربستان، تنش هایی در آن جامعه سنتی بوجود آورد. تنش هایی بین میانه روی های طرفدار غرب - مثل شاه فهد - و مسلمانان تندروی مخالف غرب. واکنش هایی مانند آنچه شاه ایران را سرنگون کرد، برای سیاست گذاران و اشنگتن يك کابوس است.

- «کریلز»:

ما میدانیم که حکومت سعودی يك حکومت شیطان است ولی نمی توانیم تحمل کنیم که حکومت فعلی تغییر کند. ما می خواهیم این افراد که با آنها آشنا هستیم و همکاری داریم بر سر قدرت باقی بمانند.

- «ابینگر»:

من به شما اطمینان میدهم که امریکا برای ساختن آن پایگاه ها در خاک عربستان دلایل متعددی داشته است. ما لزوم داشتن آن پایگاه ها را در جنگ کویت مشاهده کردیم. این پایگاه ها منحصرأ برای محافظت از منابع نفتی در مقابل تجاوزات خارجی نبوده بلکه خطرات داخلی هم مورد نظر بوده است.

- «لیمن»:

حالا حکومت جدیدی در امریکا بر سر کار آمده است. هنوز سیاست کلیتون در باره عربستان مشخص نشده است. نمایندگان حکومت سعودی هم - مثل گذشته - حاضر نیستند با ما صحبت کنند. تا زمانی که اقتصاد امریکا وابسته به نفت عربستان است، امنیت ملی امریکا متکی بر دفاع از عربستان سعودی خواهد بود.

□□□

مصرف و بکارگیری وسایل کارآتر برای تقلیل مصرف انرژی شد.

- «هال بیٹی»:

زیانهای میلیارد دلاری که شرکتهای پس انداز و مسکن متحمل شدند، بعضاً ناشی از آن بود که شرکتهای مستقل نفت قادر نبودند بدهی های خود را به آنها بردارند.

میلیاردها دلار از میان رفت و اقتصاد ما واقعا صدمه دید.

- «لیمن»:

سقوط قیمتهای داخلی نفت در سال ۱۹۸۶ حکومت ریگان - بوش را مجبور به اقدام کرد. بوش عازم سفر به عربستان شد و قبل از سفر اظهار داشت که امریکا قصد ندارد در قیمت نفت و مکانیزم بازار آزاد آن مداخله کند.

- «ملوین کونانت» (Melvin Conant) تحلیل گر مسائل نفتی:

این يك دروغ بزرگ بود: هرگز برای نفت يك بازار آزاد وجود نداشته است. این بازار سالها تحت تسلط تراسرت را کفلر و بعد از آن تحت نفوذ شرکتهای بزرگ نفتی امریکایی و انگلیسی قرار داشت و در این اواخر هم کشورهای عضو اوپک بر آن مسلط گردیدند. اطلاق بازار آزاد برای نفت گمراه کننده است.

- «لیمن»:

بوش در سفر به عربستان با شاه فهد ملاقات کرد و پس از آن سعودیها از تولید خود کاستند و قیمت نفت ظرف هفت ماه به دو برابر رسید. بالاخره مردم امریکا نفهمیدند که دولت طرفدار قیمتهای پائین، قیمتهای بالا و یا بالاخره طرفدار نیروهای بازار است؟

- «روتچایلد»:

من به کوشش خود برای کسب اطلاعات ادامه دادم. چون طبق قانون «آزادی مبادله اطلاعات» اسناد مورد نیاز در اختیارم قرار نمی گرفت، از دولت به دادگاه فدرال شکایت کردم. سپس وزارت خارجه تعدادی از اسناد را در اختیارم قرار داد ولی از دادن اسناد خیلی مهم که حدود ۳۰۰ برگ می شد خودداری کرد. به سادگی گفتند که

دورنمای خیالی از آنچه با قیمتهای پائین نفت اتفاق می افتاد برای مقامات سعودی تصویر کردند. آنها سعودیها را متقاعد ساختند که با قیمتهای پائین نفت، رشد اقتصادی و مصرف در امریکا بالا خواهد رفت و آنها خواهند توانست سهم بیشتری از فروش نفت را در اختیار بگیرند. در حقیقت حکومت ریگان - بوش با سعودیها برای پائین نگهداشتن قیمت نفت تبانی کرده بودند.

- «لیمن»:

از اواخر سال ۱۹۸۵ سقوط بهای نفت شتاب بیشتری گرفت و قیمت هر بشکه نفت خام ظرف هشت ماه از ۲۷ دلار به ۹ دلار رسید. بهای ارزان نفت به اقتصاد امریکا تحرك بخشید، بازار سهام رونق گرفت، سطح مصرف بالا رفت و سعودیها توانستند سهم بیشتری از بازار را در اختیار بگیرند.

- «کریلز»:

این نظریه جالبی است ولی من ترجیح می دهم آنرا يك تفاهم در مورد پائین آوردن قیمت نفت بدانم تا يك تبانی.

- «لیمن»:

قیمتهای پائین نفت اثرات بسیار منفی در اقتصاد ایالات جنوب شرقی امریکا بر جای گذاشت.

- «مایک هال بیٹی» (Mike Halbaty) تولید کننده مستقل نفت:

ممکن است واقعا يك تبانی بوده باشد. آنچه من میدانم اینست که قیمتهای نفت تا بشکه ای ۹ دلار سقوط کرد و این سقوط قیمت شرکتهای کوچک نفت را در امریکا به نابودی کشاند.

- «روتچایلد»:

با سقوط قیمت نفت، روزی يك میلیون بشکه از تولید نفت امریکا و حدود ۵۰۰ هزار شغل از دست رفت و مشکلات زیادی برای سیستم بانکی امریکا بوجود آمد. ما بیشتر متکی به نفت خارجی شدیم که تأثیر آن در موازنه منفی برداختهای ما آشکار شد. این سقوط قیمت همچنین مانع سرمایه گذاری در زمینه سایر منابع انرژی و صرفه جویی در



«با خلع سلاح شدن عراق، اکنون اسرائیل به دنبال واسطه‌ای برای درگیر کردن ایران در يك جنگ است»

■ نزدیک به دو سال است که بسیاری از سیاست‌سازان و رسانه‌های گروهی غربی، بویژه آمریکایی، از اصطلاح «خطر» ایران سخن می‌گویند و با ترفندهای مختلف و ادعاهای بی‌پایه، در پی ساختن و پرداختن جبهه‌ای ترس‌آور و تهدیدکننده از ایرانند و بدین ترتیب، زمینه را برای عنوان کردن و جانداختن سیاست‌های مخرب و موزیانه‌ای که دست ناپاک اسرائیل در پس آنها پیداست، آماده می‌کنند.

اخیراً (۲۰ ژوئیه ۱۹۹۳) از شبکه تلویزیونی سراسری «بی.بی.سی» در ایالات متحده برنامه‌ای براساس نوشته دکتر «اسرائیل شاهک» استاد بازنشسته دانشگاه «هبرو» پخش شده که در آن سناریوهای گوناگون برای مهار کردن «خطر ایران» مورد بحث قرار گرفته است. خلاصه مقاله مزبور که توسط آقای دکتر بهمن همایون به فارسی برگردانده شده و نشان‌دهنده عمق و دامنه توطئه‌ها و خیالات شومی است که دشمنان و بیگانگان در سایه ضعف و تسلیم‌پذیری دولتهای عرب برای کشور و ملت ما و بطور کلی مردم مسلمان منطقه دسر می‌پروراند، به نظر خوانندگان ارجمند می‌رسد.

■ از اوایل سال ۱۹۹۲ در مطبوعات اسرائیل این موضوع مورد بحث است که چون دیگر عراق نمی‌تواند مهارکننده ایران باشد، پس با «خطر» ایران چه باید کرد. درباره رفع این «خطر» سناریوهای متعددی پیشنهاد شده است: در يك سناریو، اسرائیل به تنهایی از نیروی هوایی خود برای حمله به ایران استفاده خواهد کرد. در سناریوی دیگر، اسرائیل با نفوذ فوق‌العاده سیاسی بر حکومت آمریکا و تسلطی که بر وسایل و رسانه‌های ارتباط جمعی آمریکا دارد، آمریکا را وادار به حمله به ایران خواهد کرد.

مدتی است که زمینه‌سازی تبلیغاتی برای آماده کردن افکار عمومی در داخل اسرائیل و در کشورهای دیگر شروع شده است. در فوریه ۱۹۹۳ بحث وسایل ارتباط جمعی اسرائیل درباره بهترین راه خنثی کردن و یا ریشه کن کردن «خطر» ایران ابعاد گسترده‌ای یافت.

در ۱۹ فوریه «یوآ کاسپی» (Yo Av Kaspi) مفسر سیاسی روزنامه دست‌چپی «ال همیشمار» (Al Hamishmar) نوشت: «با ایران نیز همانند عراق باید رفتار کرد.» در این مقاله مفسر روزنامه از قول «دانیل لشم» (Daniel Leshem) افسر ارشد بازنشسته واحد اطلاعات نظامی و عضو فعلی مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه تل‌آویو می‌نویسد: «حملات هوایی بر عراق نتوانست نیروی نظامی و قدرت هسته‌ای عراق را بکلی نابود کند، ولی پس از پیروزی حملات زمینی، حالا فرستادگان سازمان ملل، انجام آن مهم را بعهدہ گرفته‌اند. اگر همین طرح را بخواهیم در مورد ایران پیاده کنیم، از دولت اسرائیل به تنهایی کار زیادی بر نمی‌آید. ما می‌توانیم از هوا به ایران حمله کنیم، ولی نمی‌توانیم کلیه امکانات نظامی ایران را نابود کنیم. ما می‌توانیم بعضی از تأسیسات هسته‌ای

ایران را ویران کنیم ولی نه همه آنها را. ما از جا و مکان همه آنها با خبر نیستیم، همانطور که در مورد عراق با خبر نبودیم.» لشم پیشنهاد می‌کند: «باید در مورد ایران هم شرایطی شبیه آنچه برای عراق قبل از حمله به کویت فراهم شده بود، بوجود آورد. مثلاً: ایران سه جزیره استراتژیک خلیج فارس را در تصرف دارد. تسلط بر این جزایر نه تنها موجب تسلط بر کلیه حوضه‌های نفتی فعال در آن منطقه است، بلکه موجب تسلط بر منابع گازی است که هنوز مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. ما باید امیدوار باشیم که اعراب حوزه خلیج فارس، بخصوص امارات متحده عربی، بر ادعای مالکیت بر این جزایر پافشاری کنند و ایران همان اشتباه صدام حسین را تکرار کرده و بجنگ با آنها برخیزد؛ آن وقت همانطور که در مورد عراق اتفاق افتاد، فرصت از بین بردن برنامه‌های نظامی و توسعه هسته‌ای ایران بدست خواهد آمد. ولی اگر آنها حاضر نشوند جنگی را شروع کنند، آن وقت ما باید خطر حمایت ایران از تروریسم بین‌المللی را در دنیا مطرح کنیم. ما باید خرابکارها و آدم‌ربانیها را به ایران نسبت دهیم و از طریق وسایل ارتباط جمعی که در دنیا در اختیار داریم مرتباً تکرار کنیم که هیچ کشوری در دنیا به اندازه ایران خطرناک نیست. من نمی‌توانم بفهمم که چرا لیبی را که نقش کوچکی در تروریسم دارد مورد تحریم قرار داده‌اند و وسایل نظامی به آن فروخته نمی‌شود، ولی ایران از این تحریم معاف است؟» لشم این ناکامی را بعلت سستی دستگاه روابط عمومی اسرائیل می‌داند و امیدوار است که اسرائیل هرچه زودتر به زمینه‌سازی لازم برای آماده کردن افکار عمومی جهانی برای درگیری نظامی با ایران اقدام کند.

تحریک ایران به جنگ مایه اصلی مقاله دیگری است که «یا آکوارز» (Ya Akov Eres) سردبیر روزنامه دست‌راستی «معاربو» (Ma Arive) در تاریخ دوازدهم فوریه نوشته است. این روزنامه متعلق به «آفر نیم‌رودی» (Ofer Nimrodi) پسر یعقوب نیم‌رودی وابسته نظامی اسرائیل در ایران قبل از انقلاب است. یعقوب نیم‌رودی روابط بسیار دوستانه و نزدیکی با شاه و مقامات مهم ایران برقرار کرده بود.

«ارز» می‌نویسد: «نه تنها قدرت هسته‌ای، بلکه نیروی متعارف نظامی ایران هم يك تهدید دائمی است. بنابراین، اسرائیل باید آمریکا را متقاعد سازد که تحریم بین‌المللی فروش اسلحه و سایر لوازم صنعتی را در مورد ایران اجراء کند. نیروی دریایی آمریکا بدون مشکل خاصی می‌تواند مانع رسیدن وسایل نظامی به ایران شود.»

«ارز» معتقد است که موفقیت این استراتژی بستگی به سه عامل دارد: اول اینکه به دنیا بگوئیم که مبلغین ایرانی به تمام نقاط دنیا رخنه کرده و يك «انقلاب آرام» را رهبری می‌کنند. ایران تروریسم بین‌المللی را تشویق کرده و تروریست‌های احتمالی را در ایران آموزش می‌دهند.

دوم اینکه به دنیا بگوئیم که تهدید ایران برای منابع نفتی حوزه خلیج فارس بر مراتب بیش از

شرایطی است که موجب جنگ با عراق شد. ایران بر مراتب بیش از عراق، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و منابع نفت آنها را مورد تهدید قرار داده است. باید به دنیا بگوئیم که تهدید ایران نسبت به شبه جزیره عربستان و آزادی کشتی‌رانی در خلیج فارس جدی است. سوم اینکه باید به دنیا گفته شود که حمله به ایران خیلی هم مشکل نیست. با هم‌آهنگی با کشورهای عربی مثل عربستان و امارات متحده عربی، میتوان زمینه‌سازی لازم برای حمله نظامی به ایران را فراهم آورد.

نویسنده «معاربو» جنگ با ایران را کلید حل مسئله اسرائیل با فلسطینیان می‌داند. او معتقد است که انفجار انتفاضه به تحریک ایران و لیبی بوده است. ایرانیان با نفوذ خود موجب تحریک مخالفت باروند صلح (دادن خودمختاری محدود به فلسطینیان) شده‌اند. تفکر فعلی در دولت و در جامعه اسرائیل بر این اساس است که برای آرام کردن فلسطینیان، باید ایران را در يك جنگ شکست داد.

نشریات اسرائیلی گاه مسئله دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را بصورت خیلی خیلی و احساساتی عنوان می‌کنند. روزنامه «ال همیشمار» در شماره ۱۹ فوریه خود متن مصاحبه با يك متخصص هسته‌ای اسرائیل بنام «پروفیسور «شلومو آهارونسون» (Sholomo Aharonson) را چاپ کرد. این پروفیسور وحشت از سلاح هسته‌ای ایران را با وحشت از يك کشور مستقل فلسطینی مقایسه می‌کند. او می‌گوید: «اگر ما اجازه تأسیس يك حکومت مستقل فلسطینی را بدهیم، قدرت را بدست دشمن‌ترین دشمنان خود سپرده‌ایم. این حکومت فلسطینی بزودی با ایران اتحاد هسته‌ای خواهد داشت. تصور کنید که حکومت فلسطینی جنگ را علیه ما شروع کند، و ایرانیها با سلاح هسته‌ای خود مانع از استفاده اسرائیل از سلاح هسته‌ای شوند، آن وقت ما چه باید بکنیم؟ از اینرو، ما نباید هرگز اجازه دهیم که يك حکومت مستقل فلسطینی بوجود آید. ما باید کاری کنیم که ایرانیها در وحشت دائمی ضربات هسته‌ای اسرائیل باشند.»

این قبیل نظرات و پیشگوییها گرچه ممکن است در نظر خوانندگان غیراسرائیلی تخیلی بنظر آید، ولی افرادی که عقاید آنها نقل شده است کارشناسان برجسته و یا مفسرین سرشناس در مسائل استراتژیک هستند و بخوبی با تفکر موجود در دستگاه امنیتی اسرائیل آشنائی دارند. چون اسرائیل بزرگترین قدرت نظامی و دارنده انحصاری سلاح هسته‌ای در خاورمیانه است، عقاید استراتژیک دستگاه امنیتی آنرا نمی‌توان نادیده گرفت، بخصوص وقتی که این عقاید با شدت بر جامعه اسرائیل نفوذ کرده باشد.

باید توجه داشت که با نفوذ روزافزون اسرائیل بر سیاست‌گذاری‌های حکومت آمریکا، اسرائیل قدرت بزرگی در صحنه سیاسی و نظامی محسوب می‌شود.